


نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل انتقادی صوفی‌انگاری حضرت عیسیؑ

با تأکید بر گزاره‌های عهد جدید

کلیه علی راد/ دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

ali.rad@ut.ac.ir  orcid.org/0000-0001-9430-2795

sadeghniam@gmail.com

fa.ghorbani@gmail.com

مهراب صادق‌نیا/ دانشیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب

فاطمه قربانی/ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پردیس فارابی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳

چکیده

با آغاز مطالعات انتقادی کتاب مقدس در قرن هجدهم میلادی و بحث درباره شخصیت تاریخی حضرت عیسیؑ، زندگی اجتماعی وی نیز مطرح‌نظر قرار گرفت و به ارائه دو نظریه متفاوت در قالب ایشان انجامید: حضرت عیسیؑ به مثابه زاهدی اخلاق‌مدار یا مصلحی انقلابی. با توجه به برخی گزاره‌های عهد جدید و بافت سیاسی - اجتماعی زمانه حضرت عیسیؑ، به نظر می‌رسد خوانش زاهدانه جامع و مبتنی بر جملگی گزارش‌ها از زندگی آن حضرت نیست. این پژوهش با تحلیل فراهایی از عهد جدید، ارائه سیمای صرفاً اخلاقی و متغافل از رخدادهای اجتماعی حضرت عیسیؑ را نقد می‌کند. سپس بر پایه تحلیل تاریخی دوران شکل‌گیری مسیحیت، زمینه‌های ظهور این دیدگاه را بررسی می‌کند. تحلیل متنی گزاره‌های عهد جدید درباره عملکرد اجتماعی حضرت عیسیؑ نشان می‌دهد که وی افزون بر اهتمام به مباحث اخلاقی، بر اصلاح جامعه و حاکمیت نیز تأکید داشته و ارائه تصویری صرفاً اخلاقی و متسامح معلول غلبه خوانش اخلاقی و مسامحه‌گرایانه پولس، تضعیف مسیحیان و حمایت امپراتوری روم از آیین‌های اخلاق‌محور و به چالش کشیده شدن انتظار مسیحا پس از تصلیب حضرت عیسیؑ بوده است.

کلیدواژه‌ها: شخصیت اجتماعی حضرت عیسیؑ، اخلاق فردگرایانه، پولس، عهد جدید، تحلیل انتقادی.

نقش محوری حضرت عیسی علیه السلام در مسیحیت و اسلام توجه به زندگی وی و پژوهش در ابعاد گوناگون شخصیت ایشان را به دنبال داشته است. قرآن و سنت اسلامی نیز به واسطه جایگاه و شأن عظیم انبیا، به حضرت عیسی علیه السلام اهتمام ویژه‌ای ناظر به آموزه‌ها و ابعاد شخصیت ایشان داشته است. در قرآن ۳۶ مرتبه به نام حضرت عیسی علیه السلام اشاره شده است؛ ۲۵ بار با عنوان «عیسی بن مریم» و یازده مرتبه با عنوان «مسیح». در مجموع ۱۳۹ آیه درباره مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام وجود دارد. حضرت عیسی علیه السلام از نگاه قرآن پیامبری عظیم‌الشأن است و آیات بسیاری در ردّ الوهیت ایشان به صورت مستقیم (مائده: ۷۲، ۱۱۶، ۱۱۷؛ نساء: ۱۷۱)، و ضمنی (مریم: ۳۰؛ زخرف: ۵۹؛ مائده: ۷۵) وجود دارد.

همسو با نظر اسلام در رابطه با شأن پیامبری حضرت عیسی علیه السلام در طلیعه مسیحیت، از منظر یهودی - مسیحیان اولیه، حضرت عیسی علیه السلام پیامبری الهی و همان مسیحی موعود یهود بود (فراگسون، ۲۰۰۳، ص ۶۱۶). نخستین نزاع و شقاق عقیدتی در مسیحیت بر سر مسیح‌شناسی صورت گرفت: یهودی - مسیحیان پیرو پطرس و دیگر حواریان بودند و مسیح را انسان و مخلوق خداوند می‌دانستند. در مقابل، غیریهودیان پیرو یوس به جنبه الوهی و فوق بشری حضرت عیسی علیه السلام باور داشتند (اگریدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

پس از سال‌ها نزاع عقیدتی، الوهیت حضرت عیسی علیه السلام در شورای نیقیه (۳۲۵م) رسمیت یافت (لین، ۱۳۸۰، ص ۴۷) و به دنبال آن توجه به بعد بشری وی به محقق رفت. تا اینکه در دوران تجدد با غلبه نگره «اثبات‌گرایی» و «تجربه‌گرایی» در دین‌پژوهی، مطالعه انتقادی کتاب مقدس آغاز شد و به دنبال بحث از وجود تاریخی حضرت عیسی علیه السلام بار دیگر جنبه بشری وی مدنظر قرار گرفت.

رهاورد مطالعات انتقادی درباره شخصیت حضرت عیسی علیه السلام روی‌آوری محققان به منابعی غیر از عهد جدید در بازخوانی زندگی و تعالیم حضرت عیسی علیه السلام بود (هالمس و استیفان، ۲۰۰۵، ص ۹). در امتداد بحث از شخصیت تاریخی و جنبه بشری حضرت عیسی علیه السلام، اکتشافات باستان‌شناسی در منطقه قمران و سواحل بحرالمیت در نیمه قرن بیستم شواهدی دال بر ظهور نظریه «وابستگی حضرت عیسی علیه السلام به اِسْنیان» است؛ نوشته‌های بحرالمیت که متعلق به گروهی از یهودیان و احتمالاً اِسْنیان است که از نظر زمانی به قریب دو قرن پیش از میلاد تا نیمه دوم سده اول میلادی تعلق دارند (دانیلو، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

اسنی‌ها بر زندگی زاهدانه و تجرد تأکید داشتند و حضرت عیسی علیه السلام دارای این ویژگی‌ها بود. از این رو انتساب حضرت عیسی علیه السلام به این گروه، وی را به‌مثابه زاهدی اخلاق‌مدار معرفی می‌کرد (ایروینگ، ۱۹۸۸، ص ۲۴). در مقابل، برخی پژوهشگران بر پایه برداشت سیاسی از آموزه «ملکوت خدا» و شماری از فرامین حضرت عیسی علیه السلام به حواریان، همچون حمل شمشیر و پاکسازی معبد، حضرت عیسی علیه السلام را به زلوت‌ها منتسب می‌دانند. «زلوت‌ها» یا «غیوران» گروهی از یهودیان بودند که باورهای ایشان به یک موعود آرمانی نظامی و سیاسی

گره خورده بود. زلوت‌ها در رؤیای یک حکومت الهی به سر می‌بردند، و همین امر آنان را به فعالان ضد سلطه رومیان تبدیل کرده بود (شمس، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳).

به‌رغم طرح هر دو نظریه، معرفی حضرت عیسیؑ به‌منزله شخصی صوفی مسلک که تنها بر ابعاد اخلاقی تأکید داشت، رواج یافت. هرچه از دوران زندگی حضرت عیسیؑ فاصله می‌گیریم، این دیدگاه مشهورتر می‌شود. به نظر می‌رسد راستی‌آزمایی هر توصیف از حضرت عیسیؑ در گرو عرضه آن به عهد جدید به‌منزله متن رسمی مسیحیت است. تقریباً تمام دانسته‌های ما از زندگی حضرت عیسیؑ برگرفته از اناجیل است. این متون درباره شاخصه‌های فردی ایشان در کنار شاخصه‌های اجتماعی وی سخن می‌گویند:

شاخصه‌های فردی همچون: نور ازلی (یوحنا، ۱: ۵؛ ۸: ۱۲؛ ۱: ۱۶)؛ باشکوه و مجلل (یوحنا، ۱: ۱۴؛ ۸: ۵۴؛ ۱۷: ۴)؛ پسر انسان (یوحنا، ۵: ۲۷)؛ پسر داود (مرقس، ۱۰: ۴۷؛ لوقا، ۱۸: ۳۸)؛ قدوس (لوقا، ۳: ۳۵؛ اعمال رسولان، ۲۷: ۴؛ لوقا، ۳: ۱۴)؛ بری از گناه (عبرانیان، ۷: ۲۶؛ ۱۵: ۴)؛ فرزند خدا (یوحنا، ۵: ۲۳؛ ۳: ۳۵؛ ۱: ۳۴؛ ۴۹: ۶؛ ۶۹: نان حیات (حیات‌بخش) (یوحنا، ۶: ۳۵ و ۴۸)؛ تقویت شده توسط فرشته (لوقا، ۲۲: ۴۳).

در کنار این شاخصه‌های فردی، اناجیل شاخصه‌های اجتماعی را نیز برای حضرت عیسیؑ برشمرده‌اند؛ همانند: نبی (لوقا، ۲۴: ۱۹)؛ معلم توانا (لوقا، ۱۹: ۴۷)؛ مبارک (مرقس، ۶: ۳۰-۴۴؛ لوقا، ۱: ۴۲؛ یوحنا، ۱: ۱۶؛ لوقا، ۲۴: ۵؛ مرقس، ۸: ۱-۲۱؛ لوقا، ۹: ۱۶-۲۴؛ ۵۰)؛ مسیح (مرقس، ۴: ۲۶؛ یوحنا، ۸: ۲۸ و ۷: ۲۵-۳۰ و ۱۰: ۲۵)؛ پادشاه (لوقا، ۳: ۲۳؛ مرقس، ۱۵: ۲ و ۱۱: ۹ و ۱: ۴۹ و ۶: ۶۹)؛ داور گناهان (یوحنا، ۵: ۲۲ و ۳۰)؛ شبان دلسوز (یوحنا، ۱۰: ۱۱ و ۱۴)؛ مهربان و فروتن (متی، ۱: ۲۹-۳۰؛ یوحنا، ۱۲: ۱۵)؛ خدمتگزار (متی، ۲۰: ۲۷-۲۸)؛ سرشار از محبت و بخشش و راستی (یوحنا، ۱: ۱۴)؛ مطیع مادر (لوقا، ۲: ۵۱)؛ حکیم (لوقا، ۲: ۴۰؛ یوحنا، ۷: ۱۵)؛ منجی جهان (متی، ۱: ۲۲؛ لوقا، ۲: ۳۱؛ یوحنا، ۴: ۴۲؛ ۱۲: ۱۳)؛ شجاع و مقتدر (مرقس، ۱: ۲۲؛ متی، ۸: ۵-۶؛ لوقا، ۴: ۳۲؛ متی، ۷: ۲۹؛ لوقا، ۹: ۱).

شناخت صحیح و کامل حضرت عیسیؑ به‌مشابه شخصیت محوری پرجمعیت‌ترین دین در میان ادیان ابراهیمی، مستلزم نگاه جامع و فراگیر به مجموعه آیات عهد جدید و فهم آن در موقعیت زیستی حضرت عیسیؑ و بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانه اوست.

از این‌رو نوشتار حاضر درصدد پاسخ به پرسش‌های ذیل است: تحلیل و بررسی نظریه انحصاری اخلاقی و سیاست‌گریز بر پایه گزاره‌های عهد جدید چیست؟ زمینه‌های پذیرش و رواج نظریه‌های اخلاقی در تاریخ مسیحیت چه بوده است؟

پاسخ به این پرسش‌ها بر پایه تحلیل متنی گزاره‌های عهد جدید و تحلیل تاریخی دوران شکل‌گیری مسیحیت بررسی می‌شود.

آثار متعددی درباره شخصیت اجتماعی حضرت عیسیؑ نگاشته شده، اما بیشتر آنها با برجسته‌سازی برخی فرازهای عهد جدید، تصویری صرفاً اخلاقی و سازشکارانه از حضرت عیسیؑ ارائه داده‌اند. تنها اثری که به تفصیل در باب سیره سیاسی ایشان پرداخته و استناد به عهد جدید را با توجه به شرایط تاریخی زیست حضرت عیسیؑ همواره ساخته، اثر رضا اصلان به انگلیسی با عنوان *غیور* است. وی تأکید می‌کند که تصور عموم از حضرت عیسیؑ به‌منزله

فردی کاملاً صلح‌جو تصویری ساختگی است؛ زیرا ایشان با هیچ‌یک از معیارهای یهودیان از «مسیح بودن» مطابقت نداشت. به همین علت، یهودیان و مسیحیان اولیه سیمای انقلابی او را به سیمایی صلح‌جو تغییر دادند (اصلان، ۱۳۹۳، ص ۱۱). لیکن این اثر در بسیاری از موارد، مدعای خود را بدون استناد ذکر کرده و فاقد رویکردی جامع است؛ جنبه‌هایی از شخصیت حضرت عیسی علیه السلام را در نظر نگرفته و تنها بر بعد اجتماعی و سیاسی وی تأکید داشته است.

اما نوشتار پیش‌رو می‌کوشید پس از استقصای ویژگی‌های حضرت عیسی علیه السلام در عهد جدید و تحلیل آنها در بافت اجتماعی زمانه‌اش، نظریه حاکی از شخصیت سازشکار و صرفاً اخلاقی وی را نقد کند و سپس علل و زمینه‌های برتری این نظریه را در امتداد تاریخ مسیحیت بررسی نماید.

۱-۱. بررسی و تبیین گفتمان غالب: تصویر اخلاقی و صلح‌طلب

درباره شخصیت حضرت عیسی علیه السلام دو نظریه مشهور ارائه شده است:

الف. تصویر انحصاری اخلاقی؛

ب. تصویر سازشکارانه و سیاست‌گریز.

هریک از نظریه‌ها متشکل از مؤلفه‌هایی است که ذیل هر قسمت تشریح و تبیین می‌شود:

۱-۱-۱. حضرت عیسی علیه السلام معلم اخلاق

حضرت عیسی علیه السلام علاوه بر تعالیم معنوی، اعتقادی و اجتماعی، به فضایل اخلاقی توجه ویژه‌ای داشت. آموزه‌های اخلاقی در عهد جدید، بسامد دارند. توصیه و ترغیب حضرت عیسی علیه السلام بر فضایی همچون فروتنی، عشق‌ورزی، بخشش بی‌حد و حصر و پرهیز از رباکاری (مرقس، ۸: ۱۶؛ لوقا، ۱۲: ۱)، طمع (لوقا، ۱۲: ۱۵)، عیب‌جویی (مرقس، ۶: ۳۷؛ لوقا، ۶: ۴۱)، شهرت‌طلبی (مرقس، ۸: ۱۵-۱۶)، غرور و خودپسندی (لوقا، ۱۸: ۹-۱۴) و مانند آن حضرت عیسی علیه السلام را در نقش آموزگار اخلاق به نمایش می‌گذارد. از این‌رو برخی مسیحیت را دینی صرفاً اخلاقی برمی‌شمردند و ویژگی بارز حضرت عیسی علیه السلام را بعد اخلاقی او می‌دانند که عمدتاً در قالب ضرب‌المثل تعلیم داده شده است (آنتونی، ۲۰۱۱، ص ۶۸).

اما توجه به این نکته ضروری است که آموزه‌های اخلاقی در عهد جدید به صورت مستقل وجود ندارد و با مبانی مذهبی در هم آمیخته است. در عهد جدید، آموزه‌های اخلاقی به صورت پیوسته و یکپارچه مشاهده نمی‌شود؛ زیرا مخاطبان الهیات و مسائل نگارندگان عهد جدید با یکدیگر متفاوت بوده‌اند.

مواعظ اخلاقی عهد جدید دارای سه ویژگی «باطنی بودن»، «رویکرد جدید به شریعت» و «فردگرایی» است. در ادامه، به تحلیل مواعظ اخلاقی از این سه منظر می‌پردازیم:

۱-۱-۱-۱. تأکید بر مفاهیم باطنی

مواعظ اخلاقی حضرت عیسی علیه السلام بر محور انسان شکل می‌گیرد و خاستگاهی درونی دارد (یاسپرس، ۱۳۸۷، ص ۲۷). او برخلاف فریسیان ظاهرگرا بر این نکته تأکید می‌کند که انسان‌ها از درون نجس و ناپاک می‌شوند و افکار و

گفتار زشت انسان را نجس می‌سازد (مرقس ۷: ۱۶-۱۴). حضرت عیسیؑ نجاست را باطنی و درونی قلمداد می‌کند و به جای پاکی ظاهر، بیشتر بر پاکی درون و باطن از رذایل اخلاقی (همچون حسد، طمع، خودپسندی، شرارت و حماقت) تأکید دارد (مرقس، ۷: ۲۳-۲۱).

از این رو بخشی از آموزه‌های اخلاقی حضرت عیسیؑ که در عهد جدید گزارش شده، بر مفاهیم باطنی تأکید دارد. در همین زمینه رویکرد او به شریعت نیز باطنی است و ظاهرگرایی در امر شریعت را که امری متداول در بین یهودیان آن زمان بود، به نقد می‌کشد.

شایان ذکر است که رویکرد نوین حضرت عیسیؑ به شریعت، به معنای نفی احکام دین و اخلاق نبود. پولس نیز با اباحیگری به شدت مخالفت می‌کرد، به‌ویژه هنگامی که منجر به بی‌بند و باری جنسی می‌گشت (اول قرتیان، ۶: ۱۲-۲۰).

۱-۲. حضرت عیسیؑ و شریعت

در بسیاری از تعالیم حضرت عیسیؑ تأکید بر شریعت دیده می‌شود؛ اما او دارای رویکردی جدید بر شریعت و آیین حضرت موسیؑ بود. نکته مهم برای فهم پیام حضرت عیسیؑ این است که اگرچه از نگاه ایشان شریعت برای رسیدن به سعادت و رستگاری لازم است، اما کافی نیست. ایشان بارها عمل - بدون روح - به شریعت را مذمت می‌کرد. حضرت عیسیؑ با نقد رویکرد متداول به شریعت یهود و درک رایج از آن کوشید تا جماعت بنی‌اسرائیل و پیروان خود را به فهمی تازه از شریعت فراخواند و این فهم تازه، همان تطهیر درون و افکار و نیز دوری از ریا و نفاق است (صادق‌نیا، ۱۳۸۴).

ایشان ساختارهای غالبی همچون قداست و ممنوعیت روز سبت را بی‌اعتبار ساخت و انسان را مالک روز سبت دانست (متی، ۱۲: ۱-۸؛ لوقا، ۶: ۱-۵؛ مرقس، ۲۳: ۲-۲۸). همچنین در پاسخ به چرایی روزه نگرفتن شاگردانش، با ارائه تمثیلی، شریعت کهنه را ناکارآمد خواند (مرقس، ۲: ۱۸-۲۲؛ متی، ۹: ۱۴-۱۷). او مفهوم «طهارت» و «نجاست» را مفهومی باطنی قلمداد کرد (مرقس، ۷: ۱۴-۲۳؛ متی، ۱۵: ۱-۲۰) و یک‌تنه در برابر شریعت‌زدگی و ظاهرگرایی کاهنان و علمای یهود قد علم نمود و بر مواضع خویش اصرار ورزید.

۱-۳. اخلاق فردگرایانه

اخلاق فردی فضایل و رذایلی است که در محدوده روابط فرد با خود و یا با خدا مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ فضایی مانند محاسبه، عزت نفس، اطمینان قلب، وقار، آزادمنشی، اخلاص؛ و رذایلی همچون غفلت، خودخواهی، ضعف نفس، بیهوده‌گویی، و ناامیدی از رحمت خدا (کلانتری، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

تأکید حضرت عیسیؑ بر مفاهیمی همچون فضیلت فروتنی (متی، ۵: ۵؛ متی، ۱۱: ۲۹) و تطهیر از رذایل اخلاقی همچون حسد، طمع و پرهیز از کینه‌ورزی (مرقس، ۱۱: ۲۵)، پرهیز از فکر و گفتار زشت (مرقس، ۷: ۱۴-۱۶)، آرزوهای ناپاک (یعقوب، ۴: ۱) و توصیه به تحمل و بردباری (لوقا، ۲۱: ۱۹)، شکرگزاری (کولسیان، ۳: ۱۵)، ایمان و توکل (عبرانیان، ۶: ۱۱)، پاک نگه داشتن خود (تیموتائوس اول، ۵: ۲۲)، و دل نبستن به دنیا (کولسیان، ۳: ۳۱)،

نمونه‌هایی از آموزه‌های اخلاقی اوست که بر جنبه‌های درونی هر فرد تأکید دارد و نمایانگر اخلاقی فردگرایانه است و فارغ از روابط اجتماعی شخص توصیه یا نهی می‌شود.

در ادامه، این انحصار در تصویر اخلاقی و مؤلفه‌های آن با مستندات عهد جدید سنجیده می‌شود:

۱-۲. نقد انحصار شخصیت حضرت عیسیؑ در بعد اخلاقی

انحصار تعالیم حضرت عیسیؑ در اخلاق فردی آسیب‌هایی همچون یک‌سویه‌نگری را در دو بعد تحلیل آموزه‌های اخلاقی حضرت عیسیؑ و برشماری تعالیم حضرت عیسیؑ در پی دارد. در اینجا رویکرد جدید از مواضع اخلاقی ایشان مطرح می‌شود:

۱-۲-۱. یک‌سویه‌نگری

۱-۲-۱-۱. برشماری تعالیم حضرت عیسیؑ

باید توجه داشت که همه تعالیم و آموزه‌های حضرت عیسیؑ اخلاقی نبود و تقلیل نقش ایشان به معلم اخلاق، خطایی آشکار و مغایر با گزارش‌های عهد جدید است. برای نمونه، بسیاری از محققان بر این باورند که مهم‌ترین آموزه حضرت عیسیؑ «ملکوت خداوند» است (رایت، ۲۰۰۰، ص ۱۸). حضرت عیسیؑ در این آموزه، وضعیت مطلوبی را خواهان است و با فراخوانی، پیروان خود را درگیر جریان اصلاحی و انتقادی زمان خود می‌کند. او به مخاطبانش این‌گونه فهماند که ملکوت الهی پیشاپیش در زمین برقرار شده است. او شنوندگانش را به برابرخواهی فرامی‌خواند (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۳۰). به‌واقع، ملکوتی که حضرت عیسیؑ از آن سخن می‌گوید، ساختار اجتماعی آن دوران را درهم می‌شکند (آنتونی، ۲۰۱۱، ص ۶۸).

به نظر می‌رسد سخن از ملکوت خداوند و برقراری آن، به سبب آنکه وضعیت مطلوب اجتماعی و دینی را به نمایش می‌گذارد، تهدیدی برای مقامات مذهبی و حکومتی روم و تقابل با آنان به شمار آید. اعلان این آموزه اجتماعی - سیاسی که وضعیت موجود را به چالش می‌کشد و مطلوب نبودن از وضعیت موجود را به معاصران خویش گوشزد می‌کند، انحصار تصویری اخلاقی از حضرت عیسیؑ را با تردید روبه‌رو می‌کند.

همه توصیه‌ها و مواضع اخلاقی حضرت عیسیؑ در عهد جدید را مواضع اخلاقی فردی تشکیل نمی‌دهد و بسیاری از تواضعی و نواهی اخلاقی وی به جنبه‌های اجتماعی نیز معطوف هستند. تأکید بر خدمتگزاری به هم‌نوعان (مرقس، ۱۰: ۴۳)، عدم معاشرت با مفسدان و توصیه به کم‌گویی و خشمگین نشدن (یعقوب، ۱: ۱۹) از توصیه‌های اخلاقی ایشان با رویکردی اجتماعی است که در عهد جدید منعکس شده است.

گذشته از این، از مفاهیم اخلاقی فردی نیز می‌توان برداشتی اجتماعی داشت؛ زیرا اصلاح هر فرد وابسته به اصلاح جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز هست.

۱-۲-۱-۲. مفهومی دیگر از مواضع اخلاقی

با در نظر گرفتن شرایط دوران زندگی حضرت عیسیؑ و فساد اخلاقی و اجتماعی سران یهود، می‌توان درک بهتر

و دقیق‌تری از آموزه‌های معنوی و باطنی ایشان به دست آورد. در همان زمانی که ظاهرگرایی یهود و فساد اخلاقی و معنوی در بین سران یهود ریشه دوانده و به اوج خود رسیده بود، حضرت عیسیٰ ﷺ با تأکید بر مفاهیم درونی و پاکی باطن، به تقابل با آنها پرداخت و تأکید بر این تعالیم باطنی در مواجهه با محیط پیرامونش و در شرایط اجتماعی آن دوران، به معنای مبارزه با برداشت نادرست از شریعت است.

این امر می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که جامعه بنی‌اسرائیل در زمان حیات حضرت عیسیٰ ﷺ مبتلا به این ردایل اخلاقی بود و رعایت اخلاق در بین یهودیان آن زمان رنگ باخته بود. از این‌رو حضرت عیسیٰ ﷺ در صدد احیای آن برآمد. توجه به این نکته بسامد بالای توأسی و نواهی اخلاقی را روشن می‌سازد. بنابراین تحدید و تقلیل آموزه‌های حضرت عیسیٰ ﷺ به آموزه‌هایی اخلاقی صحیح نیست و فاقد رویکردی جامع به همه ابعاد شخصیتی ایشان است.

۲-۱. حضرت عیسیٰ ﷺ: شخصیتی سازشکار و سیاست‌گریز

از منظر طرفداران نظریه «عیسای صرفاً اخلاقی»، حضرت عیسیٰ ﷺ فردی سازشکار، مهربان، زاهد و آورنده تعالیمی سرشار از مفاهیم روحانی و معنوی است. اصل «محبت و عشق‌ورزی» که مدارا و صلح‌جویی را به دنبال دارد و نکوهش ثروت، از مهم‌ترین مؤلفه‌های گزارش شده در عهد جدید است که این نظریه را تقویت کرده است، تا آنجا که بسیاری از مسیحیان در پی این گزاره‌های عهد جدید و تأکید بر آن، حضرت عیسیٰ ﷺ را فردی سازشکار و صلح‌طلب معرفی می‌کنند و فرازهایی که حضرت عیسیٰ ﷺ در آن تصریح می‌کند برای صلح نیامده: «گمان مبرید که آمده‌ام برای صلح. نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم، بلکه شمشیر را» (انجیل متی، ۱۰: ۳۴) اینچنین توجیه می‌کنند: رسالت اصلی او این نبود که در میان انسان‌ها صلح برقرار کند. وی آمد تا انسان را با خدا صلح دهد. اما همه انسان‌ها حضرت عیسیٰ ﷺ را باور ندارند و با خدا مصالحه نمی‌کنند. از این‌رو میان قلمرو شیطان و ملکوت خداوند مصالحه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد. مراد حضرت عیسیٰ ﷺ از این فراز آن است که کسانی را که ایمان دارند از کسانی که ایمان ندارند جدا کرده است (توماس، ۲۰۰۱، ص ۲۲۴).

این رویکرد متأثر از آموزه «محبت» است که در عهد جدید آموزهٔ محوری حضرت عیسیٰ ﷺ تلقی می‌شود. در ادامه، این آموزهٔ مهم تشریح می‌شود:

۳-۱. صلح‌جویی در جهت محبت و بخشش

در سراسر عهد جدید، توصیه به محبت از تعالیم مهم حضرت عیسیٰ ﷺ بر محور محبت به خدا و دیگران است. این فرمان در پاسخ به بزرگ‌ترین حکم شریعت داده شده است. شمول محبت در تعالیم حضرت عیسیٰ ﷺ به حدی بود که حتی دشمنان را نیز دربر می‌گرفت (باریدج، ۲۰۰۷، ص ۵۱):

«اگر کسی به گونه راست تو سیلی زد، گونه دیگر خود را به طرف او بگردان» (لوقا، ۶: ۲۹).

این فقره از عهد جدید همواره مهم‌ترین مستند برای صلح‌جویی و منع خشونت قرار گرفته و موجب پدید آمدن این تصور اشتباه شده است که انسان باید در برابر ظلم، تسلیم‌پذیر باشد و به نوعی، تسامح و تساهل را در ارتباط با زورگویان به مخاطب القا می‌کند.

۴-۲-۱. زهد و نکوهش ثروت و ثروتمندان

نکوهش ثروت و ثروتمندان از آموزه‌های پر تکرار در عهد جدید است. این آموزه موجب شده است بسیاری از جریان‌های عرفانی، خود را با حضرت عیسی علیه السلام همداستان بدانند؛ زیرا تعلق خاطر و دلبستگی به نعمت‌های مادی و معنوی و هر چیزی غیر از ذات حق، مانع بزرگی بر سر راه دریافت حقیقت عرفان است. از این رو نوعی زهد و ریاضت را ضروری دانسته‌اند (موحدیان عطار، ۱۳۸۸، ص ۳۶۵). بر ایند زندگی زاهدانه کناره‌گیری از اجتماع بوده است.

حضرت عیسی علیه السلام نیز در جای جای عهد جدید بر نفی دلبستگی به مال و ثروت و همچنین نکوهش ثروت‌اندوزی سخن گفته است (متی، ۶: ۲۴ و ۱۹: ۲۴؛ لوقا، ۱۸: ۱۸-۲۵؛ مرقس، ۱۰: ۲۳-۲۴). نکوهش ثروت‌اندوزی از زبان حضرت عیسی علیه السلام تا جایی است که ورود ثروتمند به ملکوت خداوند امری بس دشوار و ناممکن تلقی می‌شود: ثروت خود را بر روی این زمین نیندوید؛ زیرا ممکن است بید یا زنگ به آن آسیب رساند و یا دزد آن را بریابد؛ ثروت خود را در آسمان بیندوید (متی، ۶: ۲۴).

حضرت عیسی علیه السلام به شاگردانش گفت: ورود یک ثروتمند به ملکوت خداوند بسیار مشکل است؛ چنان‌که گذشتن شتر از سوراخ سوزن از وارد شدن ثروتمند به ملکوت خدا آسان‌تر است (لوقا، ۱۸: ۱۸-۲۵؛ مرقس، ۱۰: ۲۳-۲۴). این گفته برای کلیسای قرون وسطا چنان دشوار بود که دروازه‌ای در اورشلیم ساختند و آن را «سوراخ سوزن» نامیدند تا سخن حضرت عیسی علیه السلام را تعدیل کنند (کارپنتر، ۱۳۷۴، ص ۷۶).

حضرت عیسی علیه السلام آدمیان را از انباشت حریصانه ثروت بر حذر می‌دارد؛ زیرا ثروت‌اندوزی را عامل خودپسندی، بی‌عدالتی و رخوت روحی می‌داند (لوقا، ۱۲: ۱۳-۲۱). این فرازها علت نکوهش شدید حضرت عیسی علیه السلام نسبت به ثروت‌اندوزی را نمایان می‌سازد و از شخصیت اجتماعی ایشان پرده برمی‌دارد. توجه به این نکته ضروری است که همسویی حضرت عیسی علیه السلام در زهد با عارفان، دلیل بر همسویی در دیگر جنبه‌ها، همچون انزوای از سیاست و کناره‌گیری از مسائل اجتماعی نیست.

۲. نقد صلح‌طلبی و سیاست‌گریزی حضرت عیسی علیه السلام

در خور توجه است که عهد جدید در برخی موارد ادبیاتی حماسی و مغایر با ادبیات صلح‌جویانه دارد، هرچند این ادبیات نسبت به اخلاقیات حجم اندکی را به خود اختصاص می‌دهد. سخنان حاکی از ترجیح جنگ بر صلح حضرت عیسی علیه السلام نمونه‌ای از آن است:

گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم. نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم، بلکه شمشیر را؛ زیرا که آمده‌ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم. و دشمنان شخص، اهل خانه او خواهند بود (متی، ۱۰: ۳۳-۳۹).

این فراز از عهد جدید تأکید بر محبت به دشمنان و تسامح و تساهل در راه رسالت را به‌طور کامل زیر سؤال می‌برد. حضرت عیسی علیه السلام هدف از رسالت خویش را محبت و صلح‌جویی بیان نمی‌کند. بدین‌روى عمومیت و اطلاق صلح‌جویی حضرت عیسی علیه السلام با تردید مواجه است. محتمل است که این حد از صلح‌جویی و محبت تنها در برخورد

با مؤمنان بوده و یا نگران‌دگان عهد جدید در شرایط سخت و دشوار بعد از مسیح، تأکید بر صلح‌جویی را بهترین راه حل برای بقا در جامعه آن روز پنداشته‌اند.

۱-۲. اقدامات عملی

۱-۱-۲. تقابل با معبد

در دوره حضرت عیسیؑ یهود نظام اجتماعی - دینی یکپارچه‌ای را ارائه می‌کرد که بر پایه ایمان به خداوند یگانه و مراعات شریعت خلاصه می‌شد. تمام زندگی یهودی در پرتو شریعت جریان داشت (سیار، ۱۳۹۷، ص ۴۸). از این رو شریعت و نظام اجتماعی معبد برای یهودیان از اهمیت و محوریت ویژه‌ای برخوردار بود. اقدامات ساختار شکنانه حضرت عیسیؑ در برابر این دو مسئله، با شخصیتی سازشکارانه و صلح‌طلب، در تعارض است و مؤلفه‌هایی مانند شجاعت، اقتدار، غیرت دینی و اجتماعی ایشان را به نمایش می‌گذارد.

برای نمونه، اوج تقابل با نظام کهنات یهود و کردار اصلاح‌گرایانه ایشان را می‌توان در تهدید معبد به ویرانی و به هم ریختن آن مشاهده کرد (اصلان، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸).

حضرت عیسیؑ در ورود به معبد، اقدامی بی‌نظیر انجام داد و بساط یهودیان را درهم ریخت و میزهای صرافان را واژگون ساخت. این اقدام چنان مهم و ماندگار بود که در هر چهار انجیل تکرار و گزارش آن آمده است:

پس عیسی داخل هیکل خدا گشته، جمیع کسانی را که در هیکل خرید و فروش می‌کردند، بیرون نمود و تخت‌های صرافان و کرسی‌های کبوترفروشان را واژگون ساخت و ایشان را گفت: مکتوب است که خانه من «خانه دعا» نامیده می‌شود، لیکن شما مغاره دزدان‌ش ساخته‌اید (یوحنا، ۲: ۱۳-۱۷؛ متی، ۲۱: ۱۲؛ مرقس، ۱۱: ۱۵؛ لوقا، ۴۵: ۱۹).

حضرت عیسیؑ همچنین با شفای بیماران و روح‌گیری‌های بی‌مزد خود، نذرهای پرهزینه و قربانی کردن حیوانات را بی‌اعتبار ساخته و موجب اخلال در نظام مالی معبد شده بود (اصلان، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸). آن حضرت با این اقدامات نشان داد: منتقد معبد است و - در واقع - درگیر نمایشی نظامی علیه سوداگران حاکم شد. سخنان و اعمالش خیلی زود او را وارد نزاعی سخت با نظام سیاسی و دینی کرد (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۴۸).

۲-۲. رفتار و سیره عملی

رفتار حضرت عیسیؑ در مواجهه با کسی که به صورت ایشان سیلی زد، قابل توجه است. همان‌گونه که در انجیل یوحنا روایت شده، ایشان در واکنش به سیلی آن سرباز، نه تنها طرف دیگر صورت خویش را به سمت او نگرفت، بلکه زبان به اعتراض گشود.

یکی از سربازان به عیسیؑ سیلی زد و گفت: به کاهن اعظم این‌طور جواب می‌دهی؟! عیسیؑ جواب داد: اگر سخنی ناراست گفته‌ام آن را ثابت کن و اگر سختم راست است، چرا سیلی می‌زنی؟ (یوحنا، ۱۸: ۲۲-۲۳)

۱-۲-۲. زهد

با ترسیم اوضاع فرهنگی و اقتصادی آن دوران، می‌توان به فهم توصیه‌های حضرت عیسیؑ بر زهد و نکوهش ثروت و ثروت‌اندوزی نزدیک‌تر شد. به نظر می‌رسد حضرت عیسیؑ خواستار جلب توجه مخاطبان و جامعه آن

دوران به ثروتی غیر از ثروت ظاهری است و آنان را به اندوختن ثروت آسمانی رهنمون می‌سازد. او بر آن است که شخص به جای اندوختن اموال فاسدشدنی بر زمین، در آسمان گنج ببندوزد (متی، ۶: ۱۹-۲۴).

این تصویر از شرایط عصر حضرت عیسی علیه السلام یاریگر فهم بهتر و عمیق‌تر از این نکوهش‌هاست و بیانگر این نکته است که با توجه به شرایط و بافت آن دوران، حضرت عیسی علیه السلام درصدد اصلاح و رهنمون ساختن جامعه آن زمان، به مفاهیمی والاتر و اطاعت از خداوند بود و تصویری کاملاً درگیر با مسائل اجتماعی را ترسیم می‌کند. از این رو زهد و بی‌اعتنایی به دنیا هیچ منافاتی با شخصیت اجتماعی حضرت عیسی علیه السلام ندارد و نمی‌توان زاهد بودن ایشان را دلیلی بر سازشکاری قلمداد کرد.

۲-۲. محکومیت حضرت عیسی علیه السلام به صلیب

تمام روایات مسیحی مربوط به «عیسی ناصری» بر آن توافق دارند که حضرت عیسی علیه السلام به فرمان حاکم رومی، پونتئیوس پیلاتوس، محکوم و مصلوب شد (حدود ۳۰ م) (بیگلز، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹ و ۱۱۰). این مجازات قریب قرن ۶ تا ۴ قبل از میلاد به کار گرفته می‌شده است (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۵۵۸). حال این سؤال پیش می‌آید که این نوع مجازات در روم برای چه کسانی اعمال می‌شده است؟

صلیب در روم مجازاتی برای جرایم جدی در برابر ایالت و حکومت و برای عهدشکنی و یا خیانت در میان پارسیان یونان و کارتاگینان بود. به واقع، صلیب یک مجازات مذهبی و سیاسی بود. یوسفوس نمونه‌های متعددی ارائه می‌دهد که از صلیب برای فرونشاندن شورش‌های ایالتی استفاده می‌شده است (هنگل، ۱۹۷۸، ص ۴۶).

از این رو مجازات صلیب مخصوص خائنان و آشوبگران دینی - سیاسی و غیر شهروندان روم بود. در میان منابع حقوقی اخیر رومی و همچنین منابع ستاره‌شناسی و ادبیات ملی روم شواهدی پیدا شده که صلیب مجازاتی برای راهزنان و دزدان بدنام نیز بوده است و از دیدگاه بسیاری از حقوقدانان رومی، دزدان رسوا و بدنام اگر در حین ارتکاب جرم دستگیر می‌شدند، می‌بایست حتماً مصلوب شوند (هنگل، ۱۹۷۸، ص ۴۷ و ۴۸).

چون در محکومیت حضرت عیسی علیه السلام به صلیب تردیدی وجود ندارد، می‌توان گفت: اعم از اینکه حضرت عیسی علیه السلام انقلابی بود یا نبود، به‌مثابه یک انقلابی محکوم شد و دولت روم به‌مثابه یک عنصر آشوبگر، ایشان را به صلیب محکوم کرد (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۶۷۳). این موضوع تصویری کاملاً اجتماعی و سیاسی از حضرت عیسی علیه السلام به نمایش می‌گذارد.

۲-۳. پایداری و استقامت مسیحیان نخستین

در نیمه دوم قرن اول میلادی، یهودی - مسیحیان اولیه که مدعی شاگردی حضرت عیسی علیه السلام بودند، در نظر حاکمان روم، فرقه‌ای مزاحم و آشوبگر بودند؛ زیرا همانند دیگر یهودیان در برابر امپراتور کرنش نمی‌کردند و خدایان رومی را نمی‌پرستیدند (اگریدی، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

مسیحیان از منظر رومیان، واجد تمام نشانه‌های توطئه‌چینی بودند:

اول اینکه خود را پیرو مردی می‌دانستند که به خاطر جادوگری و خیانت اعدام شده بود. دوم اینکه خدایان حافظ سعادت حکومت روم و حتی نبوغ (فره الهی) خود امپراتور را شیطانی می‌دانستند و محکوم می‌کردند (بیگلز، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷)، تا آنجا که می‌توان گفت: در سه سده نخست، دعوت به شهادت، استقامت و کشتار وسیع مسیحیان رواج داشت. (هوشنگی، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

تلقی رومیان از مسیحیان اولیه، که آنها را آشوبگر برمی‌شمردند و پایداری و استقامت مسیحیان در راه ایمان در سه سده اول، به علت نزدیکی تاریخی با عیسی‌ای ناصری، می‌تواند برگرفته از درک درست ایشان از تعالیم حضرت عیسیؑ قلمداد شود؛ درکی که بعدها با ابهامات و غلبه تصویر صلح‌طلبانه از ایشان نادیده انگاشته شد. اقلیتی که تهدید محسوب می‌شد، آماج ستم قرار می‌گرفت، نه گروهی که تنها بر تزکیه درونی نفس تأکید می‌کرد و به قدرت روم کاری نداشت.

۳. بستر تکوین و علل نظریه اخلاقی و سازشکارانه از حضرت عیسیؑ

۳-۱. روم و اقلیت آماج ستم

دنیای سده اول میلادی دنیای امپراتوری روم بود؛ دنیایی که در آن اقتدار امپراتور و نماینده آن قهراً اعمال می‌شد. رومیان مهارت تامی در حکمرانی و وضع قوانین داشتند (میلر، ۱۳۸۲، ص ۱۳). کارگزاران رومی که در حفظ نظم اهتمام داشتند، هر اعتراضی را به شدت سرکوب می‌کردند (منسکی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۳). از این رو مسیحیتِ ایام عهد جدید دین اقلیت آماج ستم و آزار بود (منسکی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۶). معمولاً در چنین دوران‌هایی بسیار سخت و طاقت‌فرسا افکار مذهبی در مردم قدرت می‌گیرد. مردم که اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و مایوس و تنها می‌مانند با شوق و جنبه خاصی رو به آسمان می‌کنند (گری، ۱۳۴۸، ص ۸۲).

خوانش‌های عرفانی در این شرایط دشوار غلبه پیدا می‌کند؛ زیرا برای بقا، کنار آمدن با قدرت ساده‌ترین راه‌حل است. در چنین شرایط دشواری برای کاتبان اناجیل نیز طبیعی بود که تا حد ممکن از جنبش استقلال‌طلبانه یهود و هر نشانه تدروی، خشونت و غیرت در سرگذشت حضرت عیسیؑ تبری جویند و او را صلح‌طلب معرفی کنند.

۳-۲. فرهنگ و دیانت در قرن اول و دوم و از دست رفتن مرکزیت اورشلیم

جنبش‌های دینی امپراتوری روم را در قرن اول و دوم میلادی متلاطم کرده بود. در آنجا نه تنها معابد باستانی رومی، بلکه آیین «مادر بزرگ سیبل» نیز وجود داشت. همچنین آیینی رایج بود که در آن عمل عبادی محوری قربانی کردن گاو نر بود و نظام اخلاقی به شدت زاهدانه‌ای را تعلیم می‌داد. این آیین که در قرن دوم گسترده‌تر از مسیحیت بود، در انحصار کسانی بود که محبوبیت زیادی در میان سربازان رومی به‌دست آورده بودند (کاکس، ۱۳۷۸، ص ۴۵ و ۴۶).

از سوی دیگر با از دست رفتن مرکزیت و محوریت اورشلیم و پراکنده شدن مسیحیان، غلبه دیگر فرهنگ‌ها و همیاری قدرت از جریان‌های عرفانی که خطری برای نظم و قدرت روم به شمار نمی‌روند، سیری منطقی بود.

به سبب لزوم بازنگری در مفهوم «مسیحا» پس از تصلیب حضرت عیسی علیه السلام از منظر یهودی - مسیحیان اولیه، حضرت عیسی علیه السلام مسیحیای موعود یهودیت شناخته می‌شود (فراگسون، ۲۰۰۳، ص ۶۱۶؛ دی جی دان، ۱۹۹۰، ص ۱۹۵). چون یهودیان درگیر مبارزات سیاسی و نظامی شدید بودند، آراء آنان درباره مسیحا و سلطنت خدا بیشتر با انتظارات سیاسی و نظامی آمیخته شد و یهودیان بیشتر منتظر مسیحیایی بودند که همراه با فتح و پیروزی نظامی باشد (جو ویور، ۱۳۸۱، ص ۶۲). یهودیان انتظار داشتند که مسیح به معنای تدهین شده، از فرزندان داود پادشاه باشد و همچون او پادشاهی مستقل یهود در اورشلیم را پایه‌ریزی کند (آمسترانگ، ۱۳۸۷، ص ۹۸) حتی پیروان حضرت عیسی علیه السلام نیز برای وی پیروزی نظامی و سیاسی در جهت آزادی بنی‌اسرائیل و در هم شکستن اقتدار کهنات یهود را تصور می‌کردند. اما با مصلوب‌شدن حضرت عیسی علیه السلام همه این تصورات به چالش کشیده شد (فریمن، ۲۰۰۲، ص ۱۲). پس از مرگ حضرت عیسی علیه السلام بر صلیب، شاگردان او با شدت و حدت بیشتری به مسیحیایی او تمسک جستند و برای مدلل ساختن ایمان خود، به نظریه «مسیحای بلاکش» رو آوردند. این نظریه به وعده‌ای از انبیا مستند بود که براساس آن مسیحا باید نخست رنج بکشد و آنگاه مجروح و اعدام شود (گریستون، ۱۳۸۷، ص ۵۲). خواه‌ناخواه حضرت عیسی علیه السلام مصلوب شد و مسیحیان در پی راه چاره‌ای بودند تا از اعتقاد به مسیح بودن وی دست برندارند. پناه بردن به خوانشی عرفانی می‌توانست راه نجات خوبی باشد. از این‌رو مسیحیان کوشیدند شاخصه‌های خود از مسیحا را بازنگری کنند و ملکوت خدا را آسمانی قلمداد کرده، تصویری اخلاقی همراه با تساهل ارائه دهند و او را خالی از هرگونه عنصر اجتماعی و سیاسی ترسیم کنند تا همچنان به مسیح بودن او وفادار باشند.

۳-۳. غلبه خوانش تسامحگرای پولس

در سال‌های نخست ظهور مسیحیت، هیچ گزارش یا تعلیم مکتوبی وجود نداشت. تمام آنچه ممکن بود آموخته شود از طریق آموزش‌های شفاهی بود. نخستین گزارش‌های مکتوبی که درباره مسیحیت موجود است رساله‌های پولس است (اگریدی، ۱۳۸۴، ص ۴۶-۴۹). این امر خود موجب گسترش و اشاعه تفکر پولسی بود، تا آنجا که وی را «دومین مؤسس مسیحیت» لقب داده‌اند. تسلط پولس بر زبان و فرهنگ یونانی - رومی و تحریر نخستین نامه‌ها به شهرهای گوناگون توسط وی، نخست به اشاعه تفکرات او، دوم به سیادت وی، و سوم به تکوین چارچوبی مشخص از مسیحیت منجر شد.

برخلاف سایر مبلغان که همچنان از سنت شفاهی در انتقال مفاهیم و نظرات خود استفاده می‌کردند، این نامه‌ها می‌توانست در حکم میزان و ارجاع به اصل مسیحیت تلقی شود و در مقام قضاوت برای تشخیص سره از ناسره باشد (منسکی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۳). پولس الهیات خاصی مبتنی بر معنویات و مسائل روحانی به وجود آورد (ناس، ۱۳۸۶، ص ۱۳ و ۶۱۴).

پولس را از مهم‌ترین الهیدانان مسیحی و در عین حال، از بزرگ‌ترین معلمان اخلاق مسیحی دانسته‌اند. وی با تجربه فیض خداوند بر خود، و عشق خداوند در مسیح، خود را از گناه و بند شریعت آزاد یافت. این

تجربه ایمانی پولس را به اخلاقیات عشق و تطهیر وجودی به جای اخلاقیات شریعت رهنمون ساخت (ارسنجانی و زروانی، ۱۳۹۸، ص ۵۴).

در قرائت پولسی، خداوند قدرت‌ها را در تمام نقاط جهان تثبیت کرده است. بنابراین همه مسیحیان باید مطیع دولت‌ها و قوانین آنها باشند (روم، ۱-۱۳:۷) (آبار و ملایوسفی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه پولس به نشر مسیحیت در بلاد غیریهودی پرداخته بود، منجر به تعمیم و انتقال خوانش عرفانی و اخلاق‌محور پولس شد که در برابر قدرت تسلیم است. تأثیرگذاری این خوانش در گزارش‌های نویسندگان عهد جدید نیز مبرهن و مشهود است.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر به تبیین و نقد نظریه عیسای اخلاقی و سازشکار پرداخت و زمینه‌های طرح و پذیرش این نظریه را بررسی کرد.

نظریه «عیسای اخلاقی» بر پایه برجستگی تعالیم اخلاقی حضرت عیسیؑ و محوریت محبت‌ورزی، زهد و نکویش ثروت در سخنان وی، حضرت عیسیؑ را زاهدی اخلاق‌مدار، انزواطلب و متغافل از اوضاع سیاسی - اجتماعی معرفی می‌کند. با این وجود، نظریه نام‌برده دچار آسیب‌های یک‌سویه‌نگری، فقدان جامعیت، نادیده‌انگاری اقدامات مصلحانه حضرت عیسیؑ و بی‌توجهی به بافت زندگی و شرایط اجتماعی دوران اوست. تحلیل جملگی گزارش‌های عهد جدید در پرتو بافت سیاسی - اجتماعی زیست حضرت عیسیؑ نیز افزون بر سیمای اخلاقی وی، شخصیتی اجتماعی، مصلح، معترض به وضعیت موجود و در پی ساخت جامعه جدید را نیز نشان می‌دهد. این تصویر می‌تواند با توجه به اوضاع سیاسی و مذهبی عصر حضرت عیسیؑ و تقابل ایشان با علمای یهود به واقع نزدیک‌تر باشد.

با توجه به اهتمام دولت روم در حفظ نظم و سرکوب هرگونه شورش از یک‌سو و اقدامات ساختارشکنانه و اصلاح‌طلبانه حضرت عیسیؑ (مانند تهدید معبد به ویرانی و برهم زدن نظم روم و سخنان انقلابی، همچون قریب‌الوقوع بودن ملکوت خداوند و آمدن برای جنگ، نه صلح) از سوی دیگر، محکومیت به تصلیب را که مجازات دینی و سیاسی روم باستان برای فتنه‌گران بود، توجیه می‌کند و شاهدی بر اصلاحگری و ظلم‌ستیزی حضرت عیسیؑ در برابر رومیان و بدعت‌های دینی سران یهود به شمار می‌رود.

به نظر می‌رسد غلبه تصویری صرفاً اخلاقی، سازشکار و منزوی از سیاست از حضرت عیسیؑ متأثر از غلبه خوانش اخلاقی و مسامحه‌گرایانه پولس، تضعیف مسیحیان و حمایت امپراتوری روم از آیین‌های اخلاق‌محور و به چالش کشیده شدن مفهوم «مسیحا» پس از تصلیب حضرت عیسیؑ بوده است. این در حالی است که با بازیابی تصویر حضرت عیسیؑ می‌توان به تعامل و توازن اخلاق و سیاست در سیره عیسوی دست یافت. وی علاوه بر تأکید بر تعالیم اخلاقی، مجاهدی در مسیر رسالت خویش بود و هرگز در بیان رسالتش با عالمان و تظاهرکنندگان به شریعت یهود مسامحه نکرد.

منابع

- کتاب مقدس، ۲۰۰۹، ترجمه ایلام.
- آمسترانگ، کارن، ۱۳۸۷، *خداشناسی از ابراهیم تا کنون*، ترجمه محسن سپهر، تهران، نشر مرکز.
- آیار، جواد و مجید مایوسفی، ۱۳۹۱، «عیسی در تاریخ، نگاهی به دو روایت اولیه از مسیح»، *پژوهشنامه علم و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۱-۲۳.
- آگریدی، جوان، ۱۳۸۴، *مسیحیت و بدعت‌ها*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی قم، طه.
- ارسنجانی، حمیرا و مجتبی زروانی، ۱۳۹۸، «مبانی عرفانی اخلاق در آراء پولس»، *پژوهشنامه ادیان*، سال سیزدهم، ش ۲۶، ص ۳۱-۵۶.
- اصلان، رضا، ۱۳۹۳، *غیور، زندگی و زمانه عیسی ناصری*، ترجمه فاطمه صادقی، تهران، نگاه معاصر.
- بیگلز، البین، ۱۳۹۴، *انجیل‌های گنوسی*، ترجمه ماشالله کوچکی میبیدی، تهران، علمی و فرهنگی.
- توماس، هیل و استفان تورسون، ۲۰۰۱، *تفسیر کاربرد عهده جدید*، ترجمه آرمان رشدی و فریبرز خندانی، تهران، نگاه معاصر.
- جو وبور، مری، ۱۳۸۱، *درآمدی بر مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
- دانیلو، ژان، ۱۳۸۳، *ریشه‌های مسیحیت در اسناد بحرالمت*، ترجمه علی مهدی‌زاده، قم، ادیان.
- دورانت، ویل، ۱۳۷۰، *تاریخ تمدن، قیصر و مسیح*، ترجمه علی اصغر سروش، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- سیار، پیروز، ۱۳۹۷، *عهده جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم*، تهران، نشر نی.
- شمس، محمد، ۱۳۹۴، *معمای عیسی مسیح*، قم، ادیان.
- صادق‌نیا، مهرباب، ۱۳۸۴، «مسیح و شریعت موسوی»، *هفت آسمان*، ش ۲۷، ص ۳۱-۵۴.
- کارپینتر، همفری، ۱۳۷۴، *عیسی*، ترجمه حسن کامشاد، تهران، طرح نو.
- کاکس، هاروی، ۱۳۷۸، *مسیحیت*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کلانتری، علی اکبر، ۱۳۸۵، *اخلاق زندگی*، قم، معارف.
- کونگ، هانس، ۱۳۸۴، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- گری، ولف، ۱۳۴۸، *در باره مفهوم انجیل‌ها*، ترجمه محمد قاضی، تهران، فرهنگ.
- گرینستون، جولیس، ۱۳۸۷، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- لین، تونی، ۱۳۸۰، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت اسریان، تهران، فروزان روز.
- منسکی، ورنر، ۱۳۷۸، *اخلاق در شش دین جهان*، ترجمه وقار محمدحسین، تهران، اطلاعات.
- موحدیان عطار، علی، ۱۳۸۸، *مفهوم عرفان*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- میلر، و. م، ۱۳۸۲، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، تهران، اساطیر.
- ناس، جان، ۱۳۸۶، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی.
- ویلسون، برایان، ۱۳۸۱، *دین مسیح*، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
- هاکس، جیمز، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.
- هوشنگی، لیلا، ۱۳۸۹، *نسطوریان*، تهران، بصیرت.
- یاسپرس، کارل، ۱۳۸۷، *مسیح*، ترجمه احمد سمیعی، تهران، خوارزمی.
- Anthony, Le donne, 2011, *Historical jesus: what can we know and how can we know it*, USA, wm. B. erdmans.
- Burridge, Richard, 2007, *imitating jesus an inclusive approach to new testament ethic*, USA, wm.B. erdmans.
- D. G Dunn, james, 1990, *jesus & paul & law*, Great Britain, spck.
- Ferguson, everett, 2003, *background of early christianity*, USA, wm. B. erdmans.
- Freeman, charles, 2002, *a new history of early christianity*, London, yale University Press.
- Hengel, martin, 1978, *Crucifixion in the ancient world*, Fortrepress, Philadelphia.
- Holmes, Stephen and A. rae. murray, 2005, *the person of Christ*, London, T andT clark.
- Irving, M. Zeitlin, 1988, *Jesus & the Judaism of his time*, USA, Polity Press.
- Wright, nt, 2000, *the challenge of jesus*, USA, wm. B. erdmans.